



۱۰

نگاهی به نمایشگاه نقاشی متفاوت يك هنرمند فیلیپینی که در روز ملی استقلال این کشور برگزار شده است

داعش، از زاویه چشم بادامی‌ها

کدامیک از فیلم‌های اکران شده توانسته‌اند به اندازه هزینه‌شان بفروشند؟

ما همه با هم هستیم!



ماجرای بده‌وبستان هالیوود و شبکه‌های تلویزیونی همچنان ادامه دارد این بار نوبت فیلم جدید تارانتینو است

اتوبان دو طرفه

فرهنگ

یکشنبه ۶ مرداد ۱۳۹۸ :: شماره ۵۴۴۲



۱۲

۹

پشت صحنه

یکشنبه‌روز خوبیه

یکشنبه، همین امروز
که آمده، آفتاب است.
همین امروز هم مثل تمام
روزهای تابستان امسال خورشید
زیادی سخاوتمند است و آدم را به
فکر فرو می‌برد که هر سخاوت و
مهربانی هم از مرزی که بگذرد،
می‌شود شمع‌ای که بال‌های پروانه را
می‌سوزاند... اما چرا ناشکری کنیم
این قدر، نه ما پروانه‌ایم و نه آفتاب
شمع... بگذاریم خورشید يك روز
بدون گلايه و شکایت ما هر قدر
دلش خواست بتابد و يك بار دیگر
آمدن و رفتن را پشت سر بگذارد،
صبح بیاید و شب برود... مگر عمر ما
آدم‌ها چیزی بیش از این است... چه
پیچیده شد ماجرای پشت صحنه
امروز! اما بین خودمان باشد که
نگارنده را بی‌خوابی شدید به این روز
انداخته، آن قدر در حال خواب و
بیداری جهان را متفاوت می‌بیند که با
خودش گفت يك امروز خورشید را
هم جور دیگری ببینیم... بگذاریم از
خواب و خورشید و جهان و برویم
سراغ اتفاقات امروز صفحات
فرهنگی.

فیلیپینی‌ها و داعش، این
دورا نمی‌شود با هم جمع
کرد، داعش این طرف

نقشه و فیلیپین آن طرف نقشه.
الهی که هیچ‌وقت هم به یکدیگر
نرسند... حالا بنشینیم و ببینیم یک
گوشه دیگر جهان هم جنگ شد!
خدآن روز را نیاورد... اما ماجرای این
است که فیلیپینی‌ها هم با داعش
جنگیده‌اند و حالا نمایشگاهی هم با
همین موضوع برگزار کرده‌اند.
می‌توانید درباره این موضوع و
نمایشگاه مربوطه در صفحه ۱۰ امروز
بخوانید و هی با خودتان ننگ بر
داعش هم بگویید!

حکم رسول‌اف، فیلمساز
هم آمد. قرار است
يك سال برود زندان! آن
هم سر ساخت فیلمی به نام «لرد» که
در جشنواره‌های خارجی متعددی به
نمایش درآمده است. ما هم رفته‌ایم
سراغ این موضوع و از ابعاد مختلف
بررسی‌اش کرده‌ایم. در همین
صفحه‌ای که مشغول خواندنش
هستید، درست کنار همین ستون
می‌توانید ماجرا و حواشی پیش‌آمده
برای این فیلمساز و فیلمش را مرور
کنید.

امید رحمانی هم سرش
درد می‌کند برای دردسرا
امروز رفته سراغ هزینه
تولید بعضی فیلم‌های گیشه و
بررسی کرده این همه هزینه کرده‌اند،
آخرش چه شده و چقدر توانسته‌اند
هزینه‌های اولیه‌شان را در اکران
بازگردانند. این وسط تهیه‌کننده
سود کرده یا ضرر و بالاخره ماجرای
مالی این فیلم‌ها که اغلب هم
حسابی معروف شده بودند، چگونه
گذشته است.

سینمای جهان و دیگر
هیچ... چه می‌خواهید جز
زحمات کیکاووس زبیری
شکست‌ناپذیر که هر اتفاقی هم
بیفتد صبح علی‌الطوع قبل از همه
ما می‌رسد روزنامه و شکار خبرهای
هیجان‌انگیز سینمای جهان را
شروع می‌کند. او امروز هم رفته
برایتان صفحه‌ای تدارک دیده بسیار
جذاب، بخوانید و آگاه باشید که
زبیری برای این صفحه ۱۲ قدر
زحمت می‌کشد و وقت می‌گذارد.



یادداشت:
صابر محمدی
روزنامه‌نگار

برای درگذشت پرایان مگی و آن کتابفروش عاشق پیشه کرج از دور روی ماه‌تان را می‌بوسم

آقای موسوی را کتاب‌بازهای
حرفه‌ای کرج می‌شناختند،
مردی عاشق پیشه که در آن
راسته بوتیک‌ها و وسط آن رژه
نمایندگی‌های برنده‌های روز دنیا، يك
کتابفروشی کوچک برپا کرده و شده
بود باتوق اهالی کلمه در نزدیکی
پایتخت.

این‌که می‌گویم نزدیکی پایتخت از
این روست که حتی ادبیاتی‌هایی
که کوچیده بودند از کرج به
تهران، گهگاهی باز هم اگر کتابی
می‌خواستند سری می‌زدند به او
در گوردهشت. مثلاً من یکی از دو
باری که شهرام شیدایی را دیدم،
مربوط می‌شود به قراری که با شاعر
از دست‌رفته «خندیدن در خانه‌ای که
می‌سوخت» در همین کتابفروشی
ترتیب دادم. چند سالی بود که
شیدایی در تهران زندگی می‌کرد اما
قرارهایش را با دوستان قدیمش
در کرج، موکول می‌کرد به وقتی که
بیاید تا اینجا و سری هم بزند به آقای
موسوی.

موسوی، مرد عجیبی بود. نمی‌دانم
مغازه‌آن کتابفروشی از پدرانش به
او رسیده بود یا دسترنج خودش
بود. البته می‌شود حدس زد که
گزاره دوم، باطل است یحتمل.
مگر می‌شود با کتاب فروختن در
راسته‌ای که از قدیم قریق بوتیک‌ها
بوده و کمتر کسی برای خاطر کلمه
در آن قدم می‌زند، مغازه‌ای خرید؟
با این حال همه می‌دانستند که
سماجت موسوی برای سرپا نگه
داشتن کتابفروشی‌اش، در حالی که
می‌توانست با اجاره‌بهای آن چندین
برابر سود حاصل از کتابفروشی را
به جیب بزند، اگر به زعم اهل دنیا
حماقت باشد، از نظر اهالی کلمه،
عاشقی بود.

او حتی وقتی يك بار که کتاب‌هایش
طی حادثه‌ای سوخت و به باد رفت،
يك بار دیگر آن يك دهنه باریک را
راس و ریس کرد، کتاب خرید و کرکره
کتابفروشی «سروش» را دوباره بالا
داد.

اما چه شد امروز یاد او افتادم؟
راستش را بخواهید چند روز
پیش، مجله‌ای خواست درباره يك
کتابفروشی با باتوق قدیمی ادبیات
در کرج بنویسم. نمی‌دانم چرا نهایتاً
نوشتم.

این روی دلم ماند که يك روز
موسوی را به یکی از یادداشت‌هایم
دعوت کنم و بگویم: «آقای موسوی
ما یادمان نرفته که تو در برهوت
کلمه در نزدیکی پایتخت، به تنهایی
پایتخت ادبیات ما بودی، راستی آقای
موسوی، خبری به شما بدهم، به
شما که مدتی است بالاخره از سر لاج
برگشته‌اید و مغازه را داده‌اید اجاره
به لباس فروشی، خب حالا دیگر
عاشق‌ترین‌ها هم از شما انتظاری
ندارند با این وضع بازار کتاب. مدتی
است از شما خبر ندارم و نمی‌دانم
حالا آن چشم‌های کم‌سویتان
می‌گذارد پیگیر کلمه و خبرهای اهل
کلمه باشید یا نه.

ادامه در صفحه ۱۰

نگاهی به دو فیلم محمد رسول‌اف که منتقدانش می‌گویند
تصویری تاریک و سیاه از ایران به نمایش گذاشته است

کمی بالاتر از سیاهی



نمایی از فیلم «لرد» به کارگردانی محمد رسول‌اف

این دو فیلم رسول‌اف خالی از لطف نباشد. این‌که رسانه‌های داخلی و خارجی
راجع به این اثر چه گفته و نوشته‌اند و خود آقای فیلمساز و عوامل آثارش چه نظر
و نگاهی نسبت به این آثار دارند. رسول‌اف فیلم‌سازی است که در کنار جعفر
پناهی در ده سال گذشته نامش با مسائل سیاسی هم‌نشین شده. بعضی
منتقدان عقیده دارند یکی از دلایل مورد توجه قرار گرفتن از جانب جشنواره‌های
خارجی هم همین موضوع است؛ گره خوردن نام او با بعضی موضوع و دیدگاه‌های
سیاسی که مورد پسند مخالفان جمهوری اسلامی است.

و تبلیغ علیه نظام به يك سال حبس تعزیری و دو سال ممنوعیت خروج از کشور
محکوم کرده است. رسانه‌های آن‌سوی آب که حالا بعد از فروکش کردن تب
توقیف نفتکش‌ها فرصت مناسبی پیدا کرده‌اند به نقل از خودش گفته‌اند که
این اتهام بیش از همه متوجه دو فیلم اخیر اوست: «لرد» و «دست‌نوشته‌ها
نمی‌سوزند».

فارغ از این‌که جزئیات پرونده رسول‌اف چیست و حکم صادر شده دست‌گاه
قضایی عادلانه و متناسب با حواشی و آثار رسول‌اف هست یا نه اما شاید مرور

حالا حدود يك هفته می‌گذرد از روزی که حکم
رسول‌اف به او ابلاغ شده.
شنبه هفته گذشته ۲۹ تیرماه که همه ما از گرمای هوا
کلافه شده بودیم و بحث توقیف نفتکش‌ها داغ بود،
ظاهراً حکم قضایی محمد رسول‌اف، صادر و به او ابلاغ
شده است. دستگاه قضایی او را به دلیل تصویری که در
فیلم‌هایش از ایران نمایش داده به اتهام سیاه‌نمایی



محمدصادق‌علیزاده

فرهنگ‌هنر

دیوانگی محض

«خبرنگاران ایرانی که اینجا حضور دارند، مجبورند
ارزش‌های هنری این فیلم را نادیده بگیرند، چون
می‌خواهند به ایران برگردند و در جامعه ایران کار کنند»
محمد رسول‌اف در خردادماه شش سال قبل در سالن
دبوسی جشنواره فیلم‌کن در فرانسه با این عبارات،
حرف‌هایش را روی سن جشنواره‌کن آغاز کرد. حرف‌هایی
که خبرگزاری دانشجویان ایران آن را «همجه به خبرنگاران
ایرانی» توصیف کرد. حرف‌هایی که بنا به نقل همین
خبرگزاری با واکنش تعدادی از خبرنگاران هم روبه‌رو
شده بود. نکته جالب آن‌که این فیلم به طور مخفیانه
در ایران ساخته شده و قرار بود در جشنواره فیلم‌کن
به نمایش درآید. روزنامه ایندپندنت چاپ انگلیس با
اعلام این خبر که رسول‌اف در جشنواره‌کن حضور دارد
در گزارشی با اشاره به ساخت مخفیانه این فیلم نوشته
بود که پنهان کاری درباره ساخته شدن این فیلم تا زمانی
ادامه داشت که تیری فرمو، مدیر جشنواره‌کن اعلام
کرد فیلمی جدید از رسول‌اف که «به صورت مخفیانه در
ایران و سایر نقاط جهان ساخته شده» در جشنواره‌کن
نمایش داده خواهد شد. این فیلم با موضوع قتل‌های
زنجیره‌ای ساخته شده. موضوعی که به ادعای رسانه‌های
غربی به نقش دستگاه‌های امنیتی داخل کشور در
قتل نویسندگان و روشنفکران ایرانی می‌پردازد. حجم
پنهانکاری عوامل و سازندگان فیلم به حدی بود که فیلم
بنا به اعلام بعضی رسانه‌ها بدون تیتراژ به نمایش درآمده
است. رسول‌اف حتی در پاسخ به یکی از رسانه‌های
فارسی‌زبان خارج از کشور با اشاره به سوال یکی از
تماشاگران فرانسوی که از عوامل درباره نحوه ساخت
این فیلم در داخل و خارج ایران پرسیده بود هم جواب
قابل تاملی می‌دهد: «خبرنگاری در مصاحبه‌ای این را از
من پرسید و من به شوخی گفتم این سوال را نمی‌توانم
جواب بدهم، چون ممکن است بخواهم دوباره از همین
روش برای ساخت فیلم دیگری استفاده کنم.» اضافه
بر دیدگاه‌های خود رسول‌اف و مضمون بحث برانگیز
فیلمش جالب است بدانید که دو بازیگر نقش اول و
دوم فیلم پنهانده سیاسی‌آلمان هستند. علی‌نظر این
بازیگر نقش اول فیلم که برای مدتی تجربه زندگی در
کمپ بی‌خانمان‌های برلین را هم دارد در مصاحبه‌ای با
دویچه‌وله گفته بود زمان ساخت فیلم کسی حاضر نبوده



رد فیلم قرار دارد. «
هرچند این فیلم در کن با استقبال مواجه شد، اما گویا
در داخل کشور، نظر مثبتی راجع به آن وجود نداشت.
روزنامه شرق ضمن گزارشی در ۳۱ اردیبهشت ۹۶ با
تیتر «تلخ همچون کن» از زبان گزارش‌نویس خود که
در کن حضور داشت، نوشت: «محمد رسول‌اف انکار
دل‌پُری داشته، چون ساخت چنین فیلم تلخی که
در آن همه، بد و شرور هستند و غیر از شبه‌قهرمان
داستان و زشت هیچ آدم خوبی وجود ندارد، دلیل
دیگری نمی‌تواند داشته باشد... هر چه بدها همه
دارند در این فیلم یکجا جمع شده است. خطوط قرمز
فیلم هم به هم ربطی ندارند... تمام اتفاقات فیلم هم
قابل پیش‌بینی هستند، چه آتش‌زدن خانه‌شان، چه
مسموم شدن ماهی‌ها و... صحنه‌هایی هم که آدم‌بدها
سراغ رضا می‌آیند، به سبک فیلم‌فارسی‌های قبل از
انقلاب بوده و بیشتر کم‌دی است تا هیجان‌آمیز. در
آخر فیلم هم رضا که اول در سادگی و بی‌وگلاهی بودن نفر
اول است، تبدیل به برقره‌رمان می‌شود و دیگر کلا هیچ
ربطی به قبلیش ندارد. در کمتر از يك ماه کلا این آدم
دیگران آدم نیست! ایرانی‌های شاد و مغرور که برای
دیدن فیلم هموطنان آمده بودیم، ناراحت سالتن را
ترك می‌کردیم. من اما فکر کردم ای کاش آنها که این
قدر ناراحتند و کینه به دل دارند، بروند و هم خیال
خودشان را راحت کنند و هم مخصوصاً خیال ما را.»

هرچند این روزنامه بعد از آن‌که خبر تحویل گرفتن
فیلم توسط جشنواره رسید، ترجیح داد رویه‌ها را
تغییر داده و زهر نقد تند چند روز قبلیش را بگیرد اما
همین چند سطر از زبان کسی که در خارج از ایران و
میان انبوه تماشاگران خارجی به تماشای لرد نشسته
بود تا اندازه‌ای نشان می‌دهد که چه در فیلم اخیر
رسول‌اف گذشته است. در بندهای پایانی گزارش
شاید مرور حرف‌هایی که او چند روز قبل زده بود خالی
از لطف نباشد: «کار من در سینما قصه‌گویی است.
برایم عجیب است که مرابابت قصه گفتن به تبلیغ
علیه نظام متهم می‌کنند. داستان هیچ‌کدام از
فیلم‌هایم سیاسی نیست، بلکه نقد اجتماعی است
که تبدیل به بازتاب سیاسی می‌شود... به نظر
تحمّل‌نکردن انتقاد و نداشتن حوصله يك اندیشه
عقب افتاده است.»

تلخ همچون لرد

«لرد» آخرین فیلمی است که تاکنون رسول‌اف
ساخته است. برخلاف «دست‌نوشته‌ها نمی‌میرند»
که غیرقانونی و پنهانی ساخته شد، این فیلم اما
موفق شد پروانه ساخت خود را از سازمان
سینمایی کسب کند و سال ۹۵ جلوی دوربین برود.
رسول‌اف در نهایت موفق شد نسخه نهایی فیلم
را در زمستان همان سال به جشنواره فیلم فجر
برساند. نتیجه اما مایوس‌کننده بود. هیات انتخاب
جشنواره این فیلم را از جشنواره کنار گذاشت.
فروردین ۱۳۹۶ بود که جشنواره‌کن اعلام کرد این
فیلم در این جشنواره سینمایی حضور دارد. در
خرداد ۹۶ هم اعلام شد که «لرد» موفق شده جایزه
بخش نوعی نگاه جشنواره را از آن خود کند. هرچند
لرد از نظر قواعد قانونی پروانه ساخت مشکلی
نداشت، اما ظاهراً چندان هم بدون مشکل نبود.
خردادماه همان سال بود که مدیرکل وقت سینمای
حرفه‌ای سازمان سینمایی تاکید کرد که این فیلم
حتی مجوز نمایش جشنواره‌ای هم ندارد. این
حرف مقام سینمایی دوباره همان حواشی
سابق را برای رسول‌اف به ارمغان آورد.
آقای کارگردان به طور غیرقانونی در این
جشنواره سینمایی حضور پیدا کرده
بود. عملی که بعضی رسانه‌های
خارجی آن را حضور قاچاقی عنوان
کردند. خبرگزاری تسنیم درباره
این تصمیم سازمان سینمایی
آن را مرتبط با ایراداتی دانست
که سازمان سینمایی به نسخه
پایانی لرد وارد کرده. به تعبیر
دیگر، آنچه موفق به دریافت پروانه
ساخت شده بود آن چیزی نبود که
جلوی دوربین رفته بود. عبارتی در
متن بیانیه سازمان سینمایی هم به
چشم می‌خورد: «این فیلم براساس
فیلم‌نامه ارائه شده به شورای پروانه
ساخت ساخته نشده و در شورای
پروانه نمایش مورخ ۱۳۹۶/۱/۳۰ رد شده
است و کارگردان فیلم در جریان دلایل